

## آشنایی با اثری از

### خواجه افضل‌الدین محمد ترکه اصفهانی

حضور یکی از دوستان فاضل و روحانی (۱) در رقم مجموعۀ ای دیده شده قطع رحلی، به نستعلیق و شکسته نستعلیق راسته و چلیپا، که بخشی از آن در فاصلۀ میان اذق - ۱۰۷۰ تا ج ۱ - ۱۰۷۲ در فرستهای کوناگون (واژه‌نامه رساله‌ای در ۷ ذح - ۱۰۷۰ در اوچین در خانۀ لاجین بیک)، و بخشی دیگر در دهۀ دوم قرن دوازدهم (واژه‌نامه رساله‌ای در ۳ ج ۱ - ۱۱۱۷ در دارالسلطنۀ اصفهان و هنگامی که کاتب در خانۀ نواب مستطاب معلی‌القاب عالی‌جاهی امیر - الامرا و العظام اعتمادالدوله العلیه الخاقانیه دام‌ظنه‌الساویر اقامت داشت) تحریر شده و چنین می‌نماید که کاتبان هر دو قسمت از منشیان دیوان صفوی بوده‌اند، با بندی در میان بخطی نو تر مورخ ۱۱۲۶، دارای پیرامون پنجاه رسالۀ فلسفی و عرفانی و ادبی و کلامی (از جمله چند اثر کمیاب و یکی دو رساله که برای نخستین بار می‌شناسیم)، با فهرستی در آغاز نسخه از بیشتر آنها بخط عبدالرزاق بن علی رضا اصفهانی حایری همدانی در ۹ شعبان ۱۳۴۱ این چنین:

- ۱ - رساله در شرح دعاء رؤیت هلال از دعای صحیفۀ سجاده . از شیخ بهایی . ۲ - رساله الامانه . از خواجه طوسی . ۳ - رسالۀ فی البداهه و اللوحین . ۴ - رسالۀ فی خلق الله تعالی . ۵ - رسالۀ میر محمد هاشم در وحدت وجود .

تحریر ۱۰۷۱ .

آغاز : « من افادات سید الفضلاء و المتألهین سید العرفاء و المحققین میر محمد هاشم - بدان که دره شرب وحدت وجود نسبت ممکنات به موجود حقیقی یعنی به حضرت [واجب‌اله] وجود جل و علاه چو نسبت انتراعیات نفس امریه است ... »

- ۶ - رسالۀ فی القدر ، از معین‌الدین محمد بن صفی‌الدین عبدالرحمن که نسخه‌های آن در مجلس و جاهای دیگر هست . مورخ ۲۸ ذق ۱۰۷۱ .
  - ۷ - شرح رسالۀ عقل خواجه ازدوانی . ۸ - بندی از کشف در تفسیر آیه « وان کنتم فی ریب مما نزلنا ... » . ۹ - رسالۀ انموذج دوانی ، ۱۰ - رسالۀ علم النفس خواجه طوسی ، ۱۱ - رسالۀ فی عدم الخوف من الموت ، از ابن سینا . ۱۲ - جواب سؤال ابوسمید ابوالخیر ، از ابن سینا .
- استاد سید حسن ظاهری خرم‌آبادی از مدرسان حوزه قم .

- ۱۳ - رساله فی تعریف الکلی . همان ش ۶ مجموعه ۱۷۰۱ مجلس از شمسی گیلانی (فهرست ۹ : ۲۳۹) . آغاز : « اعلم ان المحققين من المنطقيين عرفوا الکلی بما لا يمنع شرکته بين کثيرين . »
- ۱۴ - رساله فی اثبات الواجب . همان ش ۷ مجموعه ۱۷۰۱ مجلس از شمسی گیلانی (فهرست ۹ : ۲۳۹) . آغاز : « بسم الله لو كان في عالم الوجود واجبان بالذات العباد بالله تعالى لوجب . »
- ۱۵ - رساله فی علمه تعالى ، از عبدالحکيم . ۱۶ - اوصاف الاشراف خواجه ، تحرير ۱۰۷۱ . ۱۷ - مکاتيب شرف الدين يحيى . ۱۸ - مکاتيب عارف اسرار خواجه محمد دهمدار . مورخ شهر شوال ۱۰۷۱ . ۱۹ - الجمع بين رأيي الحکيمين افلاطون و ارسطو . ۲۰ - الفصول فی الاسول خواجه .
- ۲۱ - مبادئ فارابی . آغاز : « المبادئ التي بها قوام الاجسام والاعراض ستة اصناف . »
- ۲۲ - مقصد اقصى عزيز نفسی ، مورخ ۲۷ ج ۱ - ۱۰۷۲ - ۲۳ - اثبات مفارقات فارابی . آغاز : « قال : المفارقات اربع مراتب مختلفه الحقائق . »
- ۲۴ - مقاله فی العقل هو . آغاز : « اسم العقل على اشياء كثيرة . »
- ۲۵ - مقاله فی العقل على رأي افلاطون ، اسکندر افرویدی . ۲۶ - مقاله فی النفس وغيره ، از ارسطو . ۲۷ - رساله فی انتفاخ الصور بعد الموت .
- ۲۸ - خطبة الشيخ الرئيس فی ذات الباري وصفاته . ۲۹ - رساله افلاطون فی رد من قال ان الانسان يتلاشى ويفنى .
- ۳۰ - رساله فی الرؤيا ، افلاطون . ۳۱ - فی مبادئ الكل على رأي ارسطاطاليس ۳۲ - تعليقات فارابی . ۳۳ - مقاله فی المحرك الاول ، سجستانی . ۳۴ - رساله فارسی در منطق ، در ۴۲ گفتار .
- آغاز : « بسم الله - سپس و ستایش آن را که به ستودن سزااست و بر بخشدن و بخشودن توانا و . »
- ۳۵ - رساله فی روز مسائل الحکمة ، از نجم الدين عبدالغفار قرظینی .
- ۳۶ - رساله وجود ملا رجب علی تبریزی . ۳۷ - ترجمه فصل نخستین از سیزده فصل سخنان هرمن الهرامسة ادریس . تحرير ۷ ذ ح - ۱۰۷۰ دراو - چین در خانه لاجین بیک .
- ۳۸ - رساله احمد بن مسکویه عن الجاحظ فی الوسايا و آداب الملوك .
- ۳۹ - وصية افلاطون فی تأديب الاحداث . ۴۰ - مقاله تاو فرطس لجحجج ارسطو فیما بعد الطبعه . ۴۱ - مکاتيب عين القضاة . ۴۲ - رساله فی تحقیق معنی الوجود شمسی گیلانی . همان اثبات الواجب ش ۴ مجموعه ۱۷۰۱ مجلس (فهرست ۹ : ۲۳۷-۲۳۸) . تحرير ۱۳ ج ۱ - ۱۱۱۷ درخانه وزیر اعظم .
- ۴۳ - رساله معادیه ، از محمد مقیم اسفر آبادی حسینی در حیدرآباد هند بنام سلطان عبدالله قطب شاه .

آغاز : « بسمله . بهترین کلام در هر مرام ذکر ملک علامی است که رشحه‌ای از بحر رحمت او مطفی اشتمال نار عذاب است ...

اما بعد در نظر ارباب بصیرت و بر بصرا صاحب سیرت پوشیده نیست که مقصد اقصی و مطلب اعلی از خلق اشیا و ایجاد انسان معرفت است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده « کنت کنزاً مخفياً ... فخلقت الخلق » تا حقیقت مرآت معرفت اصول دین و وصول به اعتقادات شرع مبین را از روی اذهان و یقین حاصل کند و چون حقیقت معاد و حشر اجساد از جمله ضروریات ایمان است و تحقیق آن در نهایت دقت و اشکال چنانکه بسیاری از مردمان صاحب فطرت در تحقیق آن عاجز و قاصرند و کثیری به ورود شیبه‌های سخیفه متزلزل خاطر گشته‌اند مدتی بود که این عبد اقل این کمال الدین حسین محمد مقیم الحسینی الاسترآبادی را با کمال قصور در فکر و نهایت حصول در ذکر به خاطر رسیده بود که رساله‌ای در این باب تقریباً للمرام و تسهیلاً للانام من الخاص و العام در کمال توضیح و نهایت تنقیح تألیف نماید که وصول به مطالب آن بزداهل ایمان سهل الحصول باشد و شیبه‌هایی که بعضی مخالفین از قصور در فهم این مقام وارد نموده‌اند به توفیق الهی به اوضح و جهی تزییف نماید . و درین و لا چون به عون الهی و به عنایت پادشاهیت پادشاهی گذار مخلص در بلده طیبه حیدرآباد فضیلت بنیاد صانها الله عن الخلل و الافساد که خاکش عبیر آمیز و هوایش عطر انگیز است افتاد از میدا فیاض الهام بشارت ادرتیاض بکوش جان این بی بضاعت قلیل - الاستطاعت رسیده که آن رساله مرکوز را درین مقام کثیر الفیض آغاز نموده، به انجام باید رسانید و از لباس ذهنی به وجود خارجی جلوه گرساخت و مضامین آن را که بهتر از دره سوز است تحفه دربار فلک قدر ملک اقتدار گردانید. فقیر از بشارت این الهام که امثال آن ازدو جانب لازم بود دامن انقیاد دارد میان جان محکم ساخت و به انجام مأمور پای ثبوت مستحکم نمود و دیباچه آن را کما امرنا مرشح و موشح به اسم سامی و القاب گرامی اعلی حضرت ... سلطان عبد الله قطب شاه ... گردانید. امید که قبول طبع سلیم و مقبول عقل فهیم آن سایه لطف اله گردد تا همچو خورشید مشهور آفاق شود . و توقع از ارباب اولوالالباب آن که به نظر مرحمت اصلاح سهوی که طبیعت ثانیة انسان است می‌نموده باشند . و این رساله مشتمل است بر تبصره و مطلبی و فصول و تکلمه و خاتمه ...

۴۴ - نان و حلوا ی شیخ بهایی .

۴۵ - رساله برهانیه نوریه شمسی کیلانی در علم یاری .

۴۶ - رساله تلخیص لایعلم من هو و هل هو ، وفقی ذکر وصف المالم و تکونه .

که در غرة ذیقعدة ۱۰۷۰ به تحریر آن آغاز شده است .

۴۷ - رساله لاشیخ الیونانی فی بیان عالمی الروحانی و الجسمانی .

۴۸ - منشآت واعظ قزوینی .

۴۹ - پراکنده‌ها . از جمله دیباچه‌ای من افادات طبع شریف آقا حسین خوانساری .

۵۰ - بندی و من افکار سلطان‌الملمایی آقا حسین خوانساری، بارقم محمد فاضل طباطبایی الخادم الطیب فی محرم من شهر سنة ۱۱۲۶ .

\* \* \*

در میان پراکنده‌ها و بندهایی که جابه‌جا در میان رسائل این مجموعه گذاشته و نگاشته شده دوبند از دو اثر مهم و کم یاب دیده شد :

۱ - بندی به نقل از قطب‌الدین محمد بن حسین کیدری نگارنده :  
 ا - مباحج المهج فی مباحج الحجج بفارسی که جناب آقای مشکوة از قراری که شفاهاً برای نویسنده سطور تصریح فرمودند قطعه‌ای از آن در دست دارند .

ب - انوارالمقول من اشعار وسی الرسول، به عربی که نسخه آن را کامیاب نیست .

ج - حدائق الحقائق فی فسر دقائق احسن الخلائق، شرح نهج البلاغه که چهار نسخه از آن رامی‌شناسیم :

۱ - نسخه آقای کمالی در همدان (فیلم ۳۰۳۳ دانشگاه) به نسخ محمد ابی‌الحسین بن محمد قصار در اواخر رمضان ۶۴۵ در ۲۶۸ برگ که آقای دانش پژوه آن را در مقاله خود پیرامون همین کتاب در نامه آستان قدس ۷ : ۱۸۰-۱۸۱ و فهرست فیلم‌ها ۲ : ۳۶ و نسخه‌های خطی ۵ : ۳۸۵ شناسانده‌است .

۲ - نسخه ش ۲۴۲۵۲ (۱۰۶ فهرست) کتابخانه اوقاف بغداد مورخ ۷۳۹ در ۳۷۹ برگ ، و تمام است (فهرست المخطوطات البریه فی مکتبه - الاوقاف العامه فی بغداد ۴ : ۴۰۴) .

۳ - نسخه ش ۸۱۸ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم به نسخه‌ده ۷ و ۸ در ۲۱۴ برگ انجام افتاده (فهرست کتابخانه ۳ : ۱۹ - ۲۰) .  
 ۴ - نسخه کتابخانه شخصی حضرت استاد آقای روضائی متناهی بی‌قیامه در اصفهان به نستعلیق محمد شریف بن علی رضا مازندرانی در جمعه عشر اول صفر ۱۰۴۹ (فیلم‌ها ۲ : ۳۶) .

بند مورد سخن باید از همین حدائق او برداشته شده باشد . در جنگه ش ۳۵۲۵ فیلم‌های دانشگاه (فهرست فیلم‌ها ۲ : ۱۶) نیز بندی از همین کتاب هست .

۲ - بندی از خواجه افضل‌الدین محمد ترکه اصفهانی دانشمند قرن نهم و گذشته شده بسال ۸۵۰ و مترجم ملل و نحل شهرستانی بفارسی (سرگذشت اودر ریحانة الادب ۱ : ۴۱۲ و پیش گفتار چاپ همان ترجمه و مزوی ۲ : ۱۷۲۵) بنقل از شرح اوبرقصیده برده بوسیروی به فارسی .

این نقل از این رو که آگاهی مفیدی درباره اثری یاد نشده از افضل‌الدین ترکه

بدست می‌داد مفتنم بود. خوشبختانه اخیراً نسخه‌ای از این شرح به نسیم سلیمان بن مولانا مبارک بن ابراهیم قفریشی از سده ۹ و ۱۰ در ۱۷۳ برگ به دست دانشمند آقای سید محمود مرعشی در قم انتقال یافته که برای آشنایی بیشتر با این اثر و نمودن شبهه نثر آن به نقل آغاز و انجام و بندی از متن آن مبادرت می‌رود.

این شرح را ترکه در روزگار فرمانروایی ابوالفتح ابراهیم سلطان (فرزند شاعرخ و نواده تیمور، فرمانروای فارس از ۸۱۹ تا ۸۳۸ و درگذشته در این سال) و بنام او نوشته و در دیباچه از وی ستایشی طولانی آورده است. آغاز: و بسم الله الرحمن الرحیم محمدناظم الرساله والایمان.

لطایف حمد که نسیم تبجیلش شماء مشام حورعین باشد و شمایم تنز نیش چهره گشای ریاحین بهشت برین، نثار بارگاه پادشاهی که مدرک دقیق شعر از دریافت منظوم عموم آلابی انتهایش در بسط هیمان «لاتحصوها» منسرح و مشعر سربع فهم از او فرثای کاملش به تخفیف تلخیص «لا احسن ثناء علیک» منسرح...

[۲ب] و بعد چنین گوید جلوه ده محاسن این حورا و چهره گشای این غره غراء، القبر الی رحمة و اعب الامانی افضل الدین بن صدرالدین ترکه اصفهانی یقظ الله من نومة الغفلات و الهمة الهدایة طرین النجات که بر رأی مقبسان مشکوة یقین و مهتدیان براهین عقل متین واضح و لایح است که مقصود از آفریدن عالم و غرض از بر گردیدن خاتم، در عنصر نبوت اشتمال و پیکر رسالت احوال خاتم انبیاء (علیه صلوات فاطر السماء) منحصر... هر آینه اهتدا به مدایح هدایت روایحش که گلشن نازک و ربیان ملایک است بلندترین معراج است که مطاع همت بلند بمرش افتخارش گمارند و عالی‌ترین مرقاتی که معراج آمین معین دارند چه اگر فوزه مرام مهمان دنیوی است کلید امیدش در دست خدام عالیمقام این دولت سراسر است و اگر نیل مفاخر درجات اخروی است [۲ج] مفتاح گشادش در کف عواطف عاکفان این همایون بنا.

گشاده دید در امن و عاقبت بر خود کسی که چشم برین خرم آستان دارد بنابراین لطایف ابیات بلاغت آیات قصیده کواکب دریه برده النبویه امام الکلام زبده الاصفیاء صفوة الاولیاء شرف الدین ابو عبد الله محمد بن سعید البوسیری قنده الله برضوانه مشتمل بر مدایح اوصاف محاسن اشرف حضرت رسالت پناه علیه صلوات الله که از دقت معانی و بدیع بیان برهانی است از دلایل اعجاز و در تلخیص الفاظ و جزالت مبانی تبیانی بر ایشاح فواد و کفایت و ایجاز...

### بیت

آن نامه‌ای که نام تو عنوان آن بود جبریل را میان آن حرز جان بود  
یواقیت خزانه افتخارش از صندوق منظوق عربی انجلا داده و در مفاخر  
اسرارش از صدف الفاغرتازی گشاده، نثار مجلس همایون حضرت خلافت پناه

گردانید و باین وسيله سداى دعايى به آسمان سلطنت و جلال رسانيد . آرى :

### بیت

نزدك توجه تحفه بياريم از نقود در دست ما همين دعوات است والسلام  
تا معتكفان بارگاه فلک اشتباه ضميمه ديگر فتوحات ستايس آيات حضرت  
اعلى کشور گشايى نمايندىمنى [۴پ] پادشاه کامكار مستعبد سلاطين رفيع مقدار  
مغيث السلطنة والخلافة والدين ابوالفتح ابراهيم سلطان خداالله ملكه وخلافته  
واوضح على المالمين مفاخر رحمة وراقته . . .

انجام : « [۱۷۳ر] . . . واگر چمن آراى اين حديقه زهارا را به من راحت  
از آن خلط زمن خلعت استراحت بخشیده درد بى دواى اين ممتحن بى عناد از  
گردآستان سدره نشان مفرح فرحى ارزاني فرماي .

### شعر

اي رحمت تو دايه اولاد بوالبشر ما را اگر چه هيچ نيرزيم هم بخبر  
الحمدالله اولاً و آخراً والملاة على رسوله باطناً وظاهراً .

نمونه‌ای از متن کتاب [ ۶۰ پ ] :

« فان فضل رسول الله ليس له حد فيعرب عنه فاطق بقم

از مناقب ومفاخر بى هنجار ومحاسن و محامد بى شمار حضرت خاتم  
پناه عليه صلوات الله به ضابط اجمالى اختصار نمودن و از گلستان تعدادش اقتطاف  
گل اميد ناکردن به دليلی که بى امتناع اتیان به مأخذ تفصيل آن دلالت کند  
احتياج دارد . لاجرم چهره بيان باین نوع برهان زيور افشان داشت که اگر  
از کوثر مآثر نا محصورش شبنمی در کام اکتفا چکانيد و از سلسبيل بى تبجيل  
عنایتش قطره‌ای به مذاق قبول رسانيد از آن است که جهات فضایل حضرت  
رسالت پناه عليه صلوات الله از حدود تناهى متجاوز است و اطراف شرايف و اوصاف  
محاسن اشرفش از سر حد نهايت . . . محیط بيكران مدايح بى پایانش محاط  
انتها نيست و هنجار بى کنار محامد بى شمارش محیط نهايت نهايت نه .

### بیت

در پای مدحت تو ز پنهانوری که هست در وی شناوران سخن را گذار نيست  
تا افصاح تواند نمود از آن مناقب بى غایت گوینده بيان برهان مقدور  
وامكان ، يا در صد تعبیر از آن يارا آيد ناطقه سمی و توان بزبان قدرت و اتیان .  
چه گفتم ، مناقب کمالی که مفاخر جلالش را قسم عظيم « لعمرک » کافل ابراز  
باشد از فواصل بى هنجارش سفینه حصرو انتها چگونه به ساحل حصول توان  
رساند .

### مصرع

بنطقى ان تحصى ولو قلت قلت

و از محاسن شمایلی که محامد فضایلش ترجمان کلام قدیم « ما کان  
محمد ابا احد من رجالکم » تکفل اظهار آن نموده ، از مدايح بى پایانش زورق  
احصا از کجابه کنار تحصیل توان درسيد .

مصرع : الذججح بهلك بين العجز والظفر

بیت : ای گفته لطف حق به خودی خودت تنها ما از کجا ومدح و ثنای تو از کجا

## نامه‌ای تاریخی :

بامر اعلیحضرت ناصرالدین شاه من و عارف خان افندی  
هر دو ما مور شدیم که به سپهسالار رفته تحقیقات نمائیم هر دو  
سوار شده از شهرستانک از پیچاپیچ رودخانه کرج به آنجا رفتیم  
بالای کوه و مقبره و غار رفته عارف خان عربی نمی دانست  
خطوط مختومه و منقوره روی درها و روی تابوت سپهسالار  
را که از چوب جنگل است و از پانصد سالی متجاوز است باقی  
مانده است من خواندم و یک طرف تابوت را خواندم سه طرف  
تابوت در جزو سنگهای غار فرورفته بود غار تاریک و تنگ بود شمع  
گچی روشن کرده کلاه روی آن گرفتیم که نسیم غار خاموش  
نکند بصعوبت خواندم و نگاشتم بیرون از غار که آمدیم وقت  
دیر بود نتوانستیم بشهرستانک بیائیم شب آنجا ماندیم من  
چای خور بودم و عارف خان سنی عرق خور و عرق در آن قریه  
یافت نمی شد یک نفر زائر از قریه کن به آنجا آمد چای داشت  
مرا پذیرائی کرد ولی عارف خان بی عرق ماند اهل ده پذیرائی  
طعام از ما کردند که جزو موقوفات بود و مردمان بادین  
خوبی بودند .

غلامحسین افضل الملك